

The Application of Rationality in the Qur'an in the Field of Behavior

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Alireza Abedi¹
Kamal Khajeh Poor Bonaki^{2*}
Mohammad Reza Abooei³

How to cite this article

Alireza Abedi, Kamal Khajeh Poor Bonaki, Mohammad Reza Abooei, The Application of Rationality in the Qur'an in the Field of Behavior, *Journal of Quran and Medicine*. 2021; 6(1): 79-85.

ABSTRACT

The question of reason and rationality is one of the fundamental issues that has been raised since ancient times. According to the Qur'an, the intellect is valid and valid and free from error; Because in addition to emphasizing it, he has raised rational issues and in some cases has dealt directly with rational reasoning. Likewise, Qur'anic rationality seeks the truth and watches over the unseen, and by relying on nature, leads to guidance, provided that it is accompanied by piety, knowledge, inner health, and the observance of rational principles, and avoids the sin of prejudice, suspicion, prejudice, and imitation. . The present study was conducted by descriptive-analytical method and the findings indicate that the rationality of the Qur'an in the field of behavior has functions such as: correct thinking, creating insight, accurate and deep understanding, recognizing truth, distinguishing, creating a good yard, understanding the greatness of the Creator And it brings fear, lessons, worship, creating a healthy culture and literature. In this article, we try to analyze the ways of using rationality in the Qur'an in the field of behavior that is induced in an attractive and effective way to the audience.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: kamalkajepoor@yahoo.com

Keywords: Holy Quran, Man, Rationality, Behavioral Field

Article History

Received: 2021/03/30
Accepted: 2021/06/03

کاربرد عقلانیت در قرآن در حوزه رفتاری

مقدمه

انسان موجودی است که نیروی عقل و تفکر در او به ودیعت گذاشته شده و به وسیله آن می تواند بفهمد، تصمیم بگیرد و خوب و بد را از هم تشخیص دهد. با عقل است که آدمی می اندیشد، می آموزد، آنچه دیده و شنیده و حس کرده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و بالاخره با ابزار زبان یا قلم آن را به دیگر همنوعان خود انتقال می دهد. عقل است که انسان را از دیگر حیوانات متمایز نموده و مسیر رشد و بالندگی و پیشرفت را به روی او گشوده است و اگر عقل نمی بود، با دیگر حیوانات هیچ تفاوتی نداشت. سوال اینجاست که این عقل چیست که از انسان چنین موجودی ساخته است که حتی برای خودش هم ناشناخته مانده است؟ این چه مخلوقی است که سازنده اش خود را احسن الخالقین لقب می نهد؟ و در درون این موجود شگفت چیست که وی را لایق منصب خلیفه الله نموده است؟ و سوالاتی از این قبیل در حقیقت خداوند چون انسان را همراه قوه تدبیر و تعقل خلق نموده، از جایگاه و ارزش این نیرو باخبر است و بهتر از هر کسی می تواند ویژگی ها و وظایف آن را برای انسان بیان کند. اوست که به این سوالات پاسخ داده و ارزش والای این گنج با ارزش را در کتاب خود تبیین نموده و وظیفه خطیر و سنگین وی را ذکر کرده است. بر ماست که در کتاب الهی و آسمانی قرآن کریم نظر کنیم تا با این ذخیره پنهانی خودمان بیشتر آشنا شویم. در این مقاله برآنیم تا کارکرد عقلانیت در قرآن کریم را در حوزه رفتاری مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع حاضر پژوهشهای متعددی صورت گرفته است که عبارتند از:

- مقاله «چیستی عقلانیت»؛ علیرضا قائمی نیا، نشریه ذهن، سال ۱۳۸۳، شماره ۱۷.
 - مقاله «عقل در قرآن»؛ محمد علی مبینی، نشریه معرفت، سال ۱۳۸۰، شماره ۴۸.
 - مقاله «جلوه عقلانیت در قصص قرآن»؛ لطیفه سلامت باویل، پژوهشنامه قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۳، دوره ۷، شماره ۱۴.
 - پایان نامه «عقل در کتاب و سنت»، حفظ الله عبدی، دانشگاه قم، سال ۱۳۷۶.
 - پایان نامه «خردورزی از منظر قرآن و روایات»، یدالله وحدانی نیا، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال ۱۳۸۳.
 - کتاب «عقل از نظر قرآن و حکمت متعالیه»؛ حبیب الله دانش شهرکی، قم، نشر بئوستان کتاب، سال ۱۳۸۷.
- لازم به ذکر است که در خصوص «کاربرد عقلانیت از نگاه قرآن در حوزه رفتاری» تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است.

تعریف عقل

کلمه عقل از لحاظ لغوی معانی متعددی دارد مانند فهم و حبس. [۱] این واژه در لسان العرب (همان) و المفردات [۲] در اصل از

علیرضا عابدی^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

کمال خواجه پور بنادکی^{۲*}

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

محمد رضا ابویی^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

چکیده

مسأله عقل و عقلانیت از مسائل مبنایی اختلافی است که از گذشته های دور مطرح بوده است. عقل از نظر قرآن، حجت و معتبر و مصون از اشتباه است؛ چون علاوه بر تأکید بر آن، موضوعاتی عقلی مطرح کرده و در مواردی هم مستقیماً به استدلال عقلی پرداخته است.

همین طور عقلانیت قرآنی به دنبال حقیقت و ناظر به غیب است و با تکیه بر فطرت، باعث هدایت می شود به شرط آنکه همراه تقوا، علم، سلامت درونی و رعایت اصول منطقی بوده و از گناه پیش داوری، گمان، تعصب و تقلید پرهیز کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و یافته ها حاکی از آن است که عقلانیت قرآن در حوزه رفتاری کارکردهایی از جمله: اندیشیدن درست، ایجاد بصیرت، فهم دقیق و عمیق، تشخیص حق، تمییز، بوجود آمدن حیاط طیبه، درک عظمت خالق و خشیت، عبرت، عبادت، ایجاد فرهنگ و ادب سالم را به همراه دارد. در این مقاله سعی ما بر این است که شیوه های کاربرد عقلانیت در قرآن، در حوزه رفتاری را که در قالبی جذاب و تاثیرگذار به مخاطب القا شده را به بوته تحلیل و بررسی بکشانیم.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، انسان، عقلانیت، حوزه رفتاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۳

*نویسنده مسئول: kamalkajepoor@yahoo.com

زبان عربی قرآن را درخور فهم و درک عقل عرب جامعه ای که قرآن در آن نازل شده می نماید. بنابراین اندیشه و تعقل، اصلی ترین تکیه گاه قرآن به ویژه در حوزه عقاید و شناخت خداوند، اخلاق و اعمال است، و یکی از موارد تعقل را قرآن درک دلایل و حجیت قرآن و اصول دین و در نهایت اثبات توحید و وجود خداوند می داند.

چنان که در قرآن شناخت و معرفت به صنع و قدرت آفرینش و خلقت خداوند با تعقل و تأمل عقلی تذکر داده شده و همچنان راه رسیدن سعادت و کمال آدمی در بکارگیری تعقل و خرد ورزی بر شمرده است: (كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) [۸] «خدا آیات خود را برای شما این گونه روشن بیان می کند، شاید خردمندی کنید».

چنان که از این آیه به دست می آید، منظور از تعقل و اندیشیدن، آن است که مبدأ حرکت به سوی عمل و پرواز به سوی کمال باشد و گرنه اندیشه و تعقلی که آدمی را به سمت عمل آن هم عمل خیر نکشانند و انسان را از فرش به عرش نرسانند، از نظر قرآن کارایی ندارد.

از نظر قرآن انسان حق ندارد آنچه را که عقلش نادرست و زشت می داند به آن تعقل کند و عدم کارکرد درست عقل و تعطیلی آن و تعقل نکردن در مسایل و پدیده ها از نظر قرآن شدیداً نکوهش شده است و خداوند آنها را در زمره بدترین جنیندگان روی زمین قرار داده است، چنان که قرآن می فرماید: (إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ) [۹] «بدترین موجودات و جانوران و (انسان) نزد خداوند کسانی هستند که از (شنیدن و گفتن سخن حق) کردند و لالند و اصلاً (در آیات خدا) تعقل نمی کنند».

همچنین واژه تفکر از ماده «فکر» گرفته شده و به معنای اندیشه و تأمل، یا به عبارتی دیگر فکر اعمال نظر و تدبیر است برای بدست آوردن واقعیات و عبرتها. یا فکر نیرویی است پویا و پیاپی که آدمی را از علم به معلوم می رساند و به آن می پردازد. و تفکر کوشش و جولان آن نیرو به اقتضای عقل و خرد است، و این نیرو ویژه انسان است و در حیوان نیست. در اصطلاح، کلمه فکر به معنای نوعی سیر و مرور بر معلومات موجود حاضر در ذهن است، تا شاید از مرور در آن، و یک بار دیگر در نظر گرفتن آن، مجهولاتی برای انسان کشف شود. یا این که تفکر عبارت است از نظر کردن در معقولات و بازگشت فکر به خویشتن برای نظر کردن در اعمال ذاتی خود و یا برای کشف اصولی که مقوم و مفسر این اعمال است. و مترادفات آن تأمل، دقت، رؤیت و فکر است. [۱۰] اما در اصطلاح قرآن کریم تفکر به معنای نظر عقلی و تأمل در مورد پدیده ها و جهان هستی و در نهایت تفکر در آثار و نشانه های الهی می باشد، چنان که خداوند می فرماید: (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ) [۱۱] «انسان باید تفکر کند که از چه خلق شده است».

در آیاتی که واژه «نظر» در قرآن به کار رفته منظور نظر حسی و مشاهده با چشم حسی صرف نبوده، بلکه مشاهده با عقل و تعقل و نظر عقلی است: (وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

«عقال» به معنای طنابی است که بر پای شتر می بندند تا حرکت نکند و از آنجا که نیروی خرد، انسان را از کارهای ناهنجار باز می دارد، این واژه بر آن اطلاق شده است. در المنجد آمده است: «عقل نوری است روحانی که نفس بوسیله آن چیزهایی را درک می کند که با حواس نمی تواند درک کند و عقل از این جهت عقل نامیده شده است چون صاحبش را از افتادن در مهلکه منع می کند» [۳]

برخی لغویین عقل را این طور معنی کرده اند: «حقیقت قوه عاقله تشخیص امور صالح از فاسد و ضار در جریان زندگی مادی و معنوی و سپس ضبط و حبس نفس بر طبق این تشخیص است» [۴]

با توجه به معانی یاد شده باید گفت که ریشه اصلی همه این معانی، منع است.

تعریف عقلانیت

عقلانیت مصدري صناعی است که از کلمه عقلانی ساخته شده و صفت عقلانی بیان کیفیت و نحوه یک باور یا رفتار است. بنابراین رفتار و باور عقلانی یعنی مطابق با عقل، و عقلانیت یعنی مطابقت با عقل. برای عقلانیت معانی مختلفی ذکر شده که هر کدام به یک بخش یک جنبه از امور عقلانی با یک مبنای خاص توجه داشته و همان را تعریف نموده است. اگر بخواهیم یک معنای کلی و فراگیر ارائه دهیم، باید بگوییم: عقلانیت یعنی داشتن بهترین و کامل ترین باور یا عمل در شرائط موجود. در فرهنگ غرب، مراد از عقلانیت این است که یک گزاره یا یک نظام اعتقادی، توسط عقل اثبات شود. هر چند مراد از اثبات و مطابقت با عقل در غرب متفاوت فرهنگ اسلامی و دینی است. [۵]

پوپر عقل گرایی را مسلکی تعریف می کند که طرفداران آن می خواهند مسائل را هر چه بیشتر بوسیله عقل یعنی روشن اندیشی و تجربه حل کنند، نه با تشبیه به شور و هیجان. [۶]

۴. کارکردهای عقلانیت از نظر قرآن کریم در حوزه رفتاری عقلانیت در قرآن کریم، در حوزه رفتاری چه فردی و چه اجتماعی، کارکردهایی دارد که عبارتند از:

اندیشیدن درست

یکی از کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری، درست اندیشیدن است. اندیشیدن درست در پدیده ها و امور یکی از مهمترین و مشهورترین کارکرد عقل و از افعال آن است که در قرآن در آیات مختلف به آن تأکید صورت گرفته است. چنان که خداوند می فرماید: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) [۷] «ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که شما درک کنید و بیندیشید».

این آیه یکی از اهداف فرستادن قرآن را درک، آن هم درکی نیرومند و پرمایه که تمام وجود انسان را به سوی عمل دعوت کند می داند. در انتهای آیه به وضاحت بیان می کند که نایل شدن به این درک و فهم متعالی بواسطه عقل و تعقل صورت می گیرد. چنان که عربی بودن قرآن نیز اشاره به همین نکته دارد که قالب

در روانشناسی قرآن، حواس ظاهری انسان اگر در تبانی و سازگاری با حواس درونی و باطنی انسان نبود، کارکرد درست ندارد و وظیفه خود را به درستی انجام ندهد، دیدن و شنیدن اگر با کارکرد عقل همراه نبود، ارزش و اهمیتی ندارد، یعنی بین حواس ظاهری و باطنی و درونی انسان رابطه ناگسستنی و حتمی برقرار است. و از آن طرف اگر عقل با حواس ظاهری بخواند رابطه اش را قطع کند، مثل ظرف خالی و یا دستگاهی که بدون مواد خام هیچ کاری از سر ساخته نیست، در می آید. خلاصه تبصر و بصیرت نسبت به قلب به منزله بینایی نسبت به چشم سر است، و به معنای ادراک حاسه بینایی است که برای رسیدن به خارج و ظاهر هر چیزی از قوی ترین ادراکات عقلی شمرده می شود. [۱۵]

فهم دقیق و عمیق

از دیگر کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری، «تفقه» و یا همان فهم دقیق و عمیق است. در زبان عربی، «تفقه» فهم عمیقی است که از تفکر به دست می آید. «تفقه» در قرآن کریم به عنوان یکی از کارکردهای عقل و خرد ورزی است که قلمرو آن در حوزه خداشناسی و جهان شناسی و انسان شناسی را در بر می گیرد: (انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْأَيَاتِ لِعَالَمِهِمْ يَفْقَهُونَ) [۱۶] «بنگر که چگونه نشانه ها و دلایل مختلف را برای آنها بازگو می کنیم، شاید درک کنند و به سوی حق بازگردند.» یعنی از نظر قرآن «تفقه» فرایندی است که اثر توجه و دقت در آیات و نشانه های الهی و تمامی هستی و حتی در رفتار و اعمال خود انسان، برای انسان حاصل می شود. چنان که خداوند می فرماید: (فَلَا فَصْلَنا أَلْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ) [۱۷] «ما آیات [خود] را برای مردمی که می فهمند به روشنی بیان کرده ایم.» یعنی آشکار و هویدا ساختیم، برای آنانی که با تفکر و تأمل در آنها به تفقه و فهم دقیق و عمیق می رسند. فهم عمیق که در معنای واژه فقه نهفته است، عبارت است از فهمی است که مربوط به لایه های زیرین پدیده ها و مسایل و موضوعات می شود، نه ظاهر و سطح ظاهری آنها، بلکه مربوط به فهم عمیق و همه جانبه است، به تمامی ابعاد مسئله توجه داشته و بصیرت حاصل نموده است. از همین خاطر است که خداوند کسانی را که از این فهم عمیق نسبت به مسایل و پدیده ها بهره ی ندارند و خود شان را محروم ساخته اند، سرزنش و نکوهش می کند: (لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا) [۱۸] «عقلهایی دارند که از آن استفاده نمی کنند.» در این آیه خداوند به وضاحت بیان می کند که تفقه یکی از کارکردهای عقل و قلب است که تعدادی از انسانها با این که عقل دارند و همچون چهار پایان فاقد این نعمت و وسیله نیستند، در عین حال از این وسیله سعادت، به درستی استفاده نمی کنند و از طریق آن نمی فهمند و سرانجام در عوامل و نتایج حوادث تفکر نمی کنند.

تشخیص حق

از دیگر کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری، تشخیص حق است. قرآن، تشخیص حق را به عقل واگذار نموده است.

الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [۱۲] «او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته در این نشانه های (مهمی) است برای کسانی که تفکر می کنند»

در این آیه از عقول و اندیشه های انسانها خواسته با انسانها صحبت کند، چه خدای مهربانی که با هر زبان ممکن با بندگانش سخن می گوید، گاه با زبان دل که از مشتقات عقل است و گاه با زبان فکر، و هدف در همه اینها یک چیز بیش نیست، و آن بیداری انسانهای غافل و به حرکت در آوردن آنها در مسیر الهی است.

ایجاد بصیرت

از دیگر کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری، ایجاد بصیرت است. «بصیرت» به معنای دیدن است، اما اینجا منظور نه دیدن صرف با چشم ظاهری و حسی، بلکه دیدن با تأمل و دقت نظر عقلی است. از ماده «البصر» گرفته شده به معنای با تأمل و اندیشیدن به چیزی نگریستن و نیز به معنای بصیرت و نیروی بینایی چشم و قدرت ادراک دل است. [۱۳].

واژگان «بصیرت» و «تبصر» از یک ریشه مشتق شده اند. معنای دقیق «تبصر» در حقیقت آنچه که از کاربرد آن در آیات قرآن کریم به دست می آید همان معنای دیدن است، اما دیدنی که همراه با تعقل و دقت نظر عقلی همراه باشد. این که تبصر را به تفکر و تعقل معنای کنیم و یا به تأمل و اندیشیدن در مورد چیزی خلاف آنچه در ظاهر آیات قرآن آمده و هم چنان خلاف معنای واژگانی آن است. قرآن کریم تبصر را با در نظر داشت معنای واژگانی و آنچه که در زبان و فرهنگ عرب معمول بوده بیان کرده و در نظر گرفته است. این که تبصر را تفکر و یا تدبیر و دیگر کارکردهای عقل یکی بگیریم، خلاف آنچه که در قرآن به آن توجه شده است، می باشد. ما نباید مفهوم دیدن و لفظ دیدن را از تبصر دور کنیم، تبصر هرچی باشد به معنای دیدن است، اما دیدن همراه با دقت نظر عقلی یعنی دیدنی که عقل در آن دخیل است و عقل در آن تعقل می کند. چنان که از آیات قرآن کریم نیز همین مراد بر می آید:

«أَفَلَا تُبْصِرُونَ» و در وجود خود شما (نیز آیاتی است) آیا نمی بینید؟ این دیدن دیدن با چشم ظاهری و سطحی نیست بلکه دیدنی است که با بصیرت عقلانی باشد. این (آیا نمی بینید)، تعبیر لطیفی است، یعنی تعقل را با حواس گره می زند و اهمیت خردورزی و جایگاه عقل را در جزئی ترین حوزه زندگی انسان ربط می دهد و تمامی افعال آدمی را با عقلانیت گره می زند یعنی حتی دیدن و شنیدن و گفتن و خلاصه در هر حالی که هستید و می باشید تمامی افعال تان باید با تعقل و خردورزی و عقلانیت باشد! در غیر آن هیچ فرقی انسان با سایر جانداران و چهارپاران ندارد: (لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ) [۱۴] «آنها قلبها (عقلها) بی دارند که با آن، (اندیشه نمی کنند، و) نمی فهمند و چشمانی که با آن نمی بینند و گوشهایی که با آن نمی شنوند، آنها همچون چهارپایانند بلکه گمراه تر.»

مانند مرده ای است که حیات و زندگی پیدا کرده و در میان مردم زندگی می کند:

(أَ وَ مَنْ كَانَ مِثْبًا فَأَخْبَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زَيْنَ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) [۲۴] « آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن ، در میان مردم راه برود، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکیهاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران آنچه انجام می دادند زینت داده شده است.»

از طرف دیگر کسی که این مراحل را طی نکند و عقلش او را به ذکر نرساند، زندگی مرگباری خواهد داشت:

(وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى) [۲۵] « و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت ، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت ، و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می کنیم.»

لذا نتیجه عقل متعالی و قرآنی، رسیدن به حیات زندگی خدایی بوده و مناظ زندگی و مردگی معنوی است.

۴-۷. درک عظمت خالق و خشیت

یکی دیگر از کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری، درک عظمت خالق و خشیت است. عقل اگر در مسیر صحیح و درست قرار گیرد، آثار مثبت روحی و اخلاقی و رفتاری دارد. مهمترین اثرش این است که ایمان و عمل صالح را تقویت می کند. تقویت ایمان با پی بردن از شگفتیهای آفرینش به عظمت خالق و خضوع در برابر قادر حکیم حاصل می شود. در آیات ذیل، برخی از آثار جوانچی و جوانچی آن ذکر شده است:

(إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْعِمَّةَ * وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ) [۲۶] «تنها خردمندانند که عبرت می گیرند* همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی شکنند* و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی حساب بیم دارند.»

کسی که درست در عالم تفکر کرده و تمام جهان هستی را عین ربط و وابستگی دیده و هیچ چیز را بی نیاز از خدا ندانسته و تنها خدا را بی نیاز مطلق می داند، در برابر این همه عظمت، بخاطر این همه ضعف و نداری خود خضوع کرده و خوف و خشیت او را فراموش می گیرد. بر عکس اگر فکر کند که خداوند عالم را خلق کرده و خود به کناری رفته و کار جهان را به خود جهان سپرده است، نه تنها حالت تواضع و خشیت پیدا نمی کند، بلکه برای خدا تکلیف نیز تعیین می کند.

عبرت آموزی

عبرت آموزی، یکی دیگر از کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری می باشد. پندگیری و عبرت آموزی یکی از مصادیق بارز کشف سنن الهی است. انسان با دقت در تاریخ و سرگذشت جوامع گذشته و طرز رفتار آنها به احکامی کلی دست می یابد

علامه طباطبایی ضمن بیان اینکه خداوند طریقی را برای بشر معین نموده که استوارتر و بهتر از آن نیست، به این نکته می پردازد که تشخیص این طریق اقوم و استوار به عهده عقل گذاشته شده است: «اما اینکه آن فکر صحیح و اقوم که قرآن کریم بشر را به سوی آن دعوت و تشویق کرده، چگونه تفکری است؟ قرآن عزیز آن را معین نکرده، بلکه تشخیص آن را به عقل فطری بشر احاله نموده است.» [۱۹]

در مقابل، انحراف از حق و رفتن در مسیر باطل نتیجه سفاهت و بکار نبستن عقل است. قرآن این حقیقت را در اعراض از آئین ابراهیم (ع) بیان می کند:

(وَ مَنْ يَرْغَبُ عَن مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ) [۲۰] « و چه کسی- جز آنکه به سبک مغزی گراید- از آئین ابراهیم روی برمی تابد؟»

تمییز

یکی دیگر از کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری، تشخیص دو حقیقت متفاوت از همدیگر است. هرچند در ظاهر شبیه هم باشند و در نگاه اول بین آنها تفاوتی نباشد. در اینجا فقط چشم تیزبین عقل می تواند به تفاوتهای اساسی آنها پی برده و آنها را از یکدیگر تشخیص دهد. از جمله مصادیق تشخیص، تیز دان پلیدی و پاکی از همدیگر است. قرآن این دو را مساوی ندانسته و حکم به برتری طیبیت می دهد، هرچند خباثت شایع شده باشند. راه رسیدن به این پاکی، بکار بستن عقل عملی و رسیدن به تقوا است. قرآن برای تمییز دادن و جدا کردن اینگونه امور از تعبیر عدم تساوی استفاده می کند:

(قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَ الطَّيِّبُ وَ لَوْ أَغْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) [۲۱] «بگو: «پلید و پاک یکسان نیستند، هر چند کثرت پلید [ها] تو را به شگفت آورد. پس ای خردمندان، از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.» حتی بین عاقل و جاهل یعنی کسی که بصیرت دارد، با شخص بی بصیرت تفاوت است:

(قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ أَمْ فَلَا تَتَفَكَّرُونَ) [۲۲] «بگو: آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکر نمی کنید.»

با تفکر، بصیر از غیر بصیر تشخیص داده می شود، همانطور که نور از ظلمت به راحتی متمایز می شود:

(قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ) [۲۳] «بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و روشنایی برابرند؟»

بوجود آمدن حیا طیبیه

از دیگر کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری، بوجود آمدن حیات طیبیه در زندگی انسانها است. ملاک انسانیت، عقل است. از دیدگاه قرآن، حیات و زندگی انسانی به قوه عاقله و قوه تفکر اوست که انسان را به یاد خدا می اندازد. قرآن عقلی را مطلوب می داند که آدمی را به سوی خدا هدایت کرده و یاد خدا را در انسان زنده کند. بنابراین کسی که با تفکر به یاد دا بیفتد،

نتیجه گیری

قرآن کریم برای عقلانیت، ارزش و جایگاهی بس والا و بزرگ قائل است طوری که استفاده از عقل را روند تعقل و خردورزی می داند. قرآن کریم روند تعقل و خردورزی را با حوزه رفتاری انسان در زندگی و عملکردهایش گره می زند و از عقل با توجه به عملکرد آن بحث می کند. و روند خردورزی را شامل تمام حوزه های رفتاری در زندگی بشر دانسته و هیچ بعدی از ابعاد و حوزه ای از حوزه های زندگی انسان را خارج از عقلانیت و خردورزی نمی داند. دین اسلام، حقیقت تربیت رفتاری را در گرو تربیت عقلانی می داند. حقانیت شرع و اصول دینی به حکم عقل ثابت می شود؛ لذا عقل برای انسان می تواند حجت باشد. بر این اساس، تربیت صحیح در حوزه رفتاری، در سایه تعقل و تفکر میسر می گردد. حوزه رفتاری در اندیشه دینی، کاملاً بر عقلانیت استوار بوده و هر شیوه غیر متکی بر اصل ناشناخته عقلی در این حوزه، مردود است. هدف اصلی کاربرد عقلانیت در قرآن کریم در حوزه رفتاری، بیداری انسانها و آفرینش افرادی توانا و خلاق و پویا برای قرار گرفتن در مسیر درست زندگی می باشد. در واقع، جامعه و خانواده برای اصلاح رفتار، به پرورش افرادی نیاز دارد که با تکیه بر نیروی اراده و تعقل خود، منطقی بیندیشند و تولید کننده دانش و رفتار صحیح در حوزه های فردی و اجتماعی باشند.

References

1. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram, 1414: Language of the Arabs, Beirut, Dar al-Sadr. (11/258)
2. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad, 1412: Contents of Quranic words, Damascus, Dar al-Alam. (578)
3. Maalouf, Lewis, 2005: Al-Munajjid in the language, translated by Mohammad Bandar Rigi, Tehran, Iran Publications. (520)
4. Mustafavi, Hassan, 1981: Research in the words of the Holy Quran, Tehran, book translation and publishing company. (8/194)
5. Patterson, Michael, 2004: Wisdom and Religious Belief, translated by Ahmad Naraghi and Ebrahim Soltani, Tehran, New Plan Publishing. (72)
6. Popper, Karl, 1998: Open Society and Its Enemies, translated by Ezatullah Fooladvand, Tehran, Kharazmi Publications. (1061)
7. The Holy Quran, Yusuf / 2.
8. The Holy Quran, Baqara / 242.

که می تواند در رفتار خود از آنها استفاده کند، به این معناکه نقاط قوت گذشتگان و دیگران را تقویت کرده و از نقاط ضعف آنها بپرهیزد. بخش اعظم دستورات قرآنی پیرامون تفکر و تعقل، به عبرت گیری اشاره و تأکید دارد. توبیخ های قرآن بیشتر حول این محور است:

(أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً) [۲۷] « آیا در زمین نگردیده اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند.»

علاوه بر این، در مواردی هم دستور به عبرت گرفتن می دهد: (فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ) [۲۸] «پس ای دیده وران، عبرت گیرید.»

عبادت

عبادت، یکی دیگر از کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری می باشد. عقل گرایی نه تنها مانع از پرداختن به تکالیف شرعی و عبادات نمی شود، بلکه انسان را به این کار بر می انگیزاند و رفتارهایش را در قبال خود و دیگران تنظیم خواهد نمود. یکی از اوصاف خردمندان این است که به اقامه نماز و عبادت می پردازند:

(إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ... وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا...) [۲۹] «تنها خردمندانند که عبرت می گیرند... و نماز برپا داشتند و انفاق کردند.»

و در آیه دیگر، صفت خردمند و اولوالالباب را به عباد و بندگان می دهد:

(فَنَشُرْ عِبَادَ* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ) [۳۰] «پس بشارت ده به آن بندگان من که* به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.»

ایجاد فرهنگ و ادب سالم

بوجود آمدن فرهنگ و ادب سالم در شخص و یا افراد جامعه، یکی دیگر از کارکردهای عقلانیت قرآنی در حوزه رفتاری می باشد. قرآن، بی ادبی و رعایت نکردن ادب و فرهنگ سالم را نتیجه نداشتن رشد عقلی می داند. عقل چون دارای معنای بازدارندگی است، انسان را از زشتی های اجتماعی منع کرده و وی را وادار به ادب و احترام می نماید. لذا عقل جمعی هرچه بیشتر رشد یافته باشد، فرهنگ آن جامعه بالاتر خواهد بود. بر عکس اگر ادب و احترام رعایت نشد، نشانه جاهلیت و عقب ماندگی آن جامعه است. قرآن می فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ) [۳۱] « کسانی که تو را از پشت اتاقها [ی مسکونی تو] به فریاد می خوانند، بیشترشان نمی فهمند.»

9. The Holy Quran, Anfal / 22.
10. Ghorashi, Ali Akbar, 1371: Quran Dictionary, Tehran, Islamic Library (Vol. 5, p. 28)
11. The Holy Quran, Tariq / 5.
12. The Holy Quran, Jathiya / 13.
13. Firoozabadi, Mohammad Ibn Yaqub, Bi Ta: Dictionary of the Environment, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiyah (vol. 1, p. 158)
14. The Holy Quran, Mystics / 179.
15. Makarem Shirazi, Nasser, 1374: Tafsir Nomoneh, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyya. (Vol. 16, p. 401)
16. Holy Quran, Reward / 65.
17. The Holy Quran, Reward / 98.
18. The Holy Quran, Mystics / 179.
19. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, 1417: Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom, Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom (vol. 5, p. 254).
20. The Holy Quran, Baqara / 130.
21. The Holy Quran, Maeda / 100.
22. Holy Quran, Reward / 50.
23. Holy Quran, Thunder / 16.
24. Holy Quran, Reward / 122.
25. The Holy Quran, Taha / 124.
26. Holy Quran, Thunder / 19-21.
27. The Holy Quran, Rome / 9.
28. The Holy Quran, Resurrection / 2.
29. The Holy Quran, Thunder / 19-22.
30. The Holy Quran, Zumr / 18-19.
31. The Holy Quran, Hujrat / 4.